



اثبات تربیت عقلانی انسان؛ از آینده نگری تا آزاد شدن از عادات غلط اجتماعی

نعمت ارزشمند خداوند است که اگر درست از آن استفاده شود نتایج ارزشمندی خواهد داشت و خیلی از مشکلات افراد و جامعه ...

"عقل" از نعمت ارزشمند خداوند است که اگر درست از آن استفاده شود نتایج ارزشمندی خواهد داشت و خیلی از مشکلات افراد و جامعه در حوزه های مختلف حل می شود، اما تحقق این امر منوط به تربیت عقلانی افراد است. به گزارش خبرگزاری مهر، ملاک تمیز انسان از حیوان عقل است، قوه ای که اگر در روند زندگی درست از آن استفاده نشود عواقب وحشتناکی خواهد داشت. یکی از خاصیت های عقل که تربیت عقل افراد باید بر این پایه و اساس باشد مسئله آینده را به حساب آوردن است. روی این مطلب نیز در تربیت های اسلامی زیاد تکیه می شود که خودتان را صرفاً در زمان حال حبس نکنید به آینده توجه داشته باشید و عواقب و لوازم و نتایج نهایی کار را در نظر بگیرید، لذا انسان هرکاری را که به آن تصمیم می گیرد باید آخرش را نگاه کند و همین است که در ادبیات اسلامی تحت عنوان آخر بینی آمده است.

پیروی نکردن از اکثریت

یکی دیگر از استفاده از عقل پیروی نکردن از اکثریت است؛ یعنی اینکه اکثر و اکثریت نباید ملاک باشد و نباید انسان طوری باشد که ببیند اکثر مردم کدام راه را می روند درست است. این مثل همان تقلید است همان طور که انسان طبعاً به سوی تقلید از دیگران کشیده می شود. طبعاً به سوی اکثریت نیز کشیده می شود. قرآن مخصوصاً همان چیزی را که انسان طبعاً به سوی آن کشیده می شود انتقاد می کند می فرماید اگر اکثر مردم زمین را پیروی کنی تو را از راه حق منحرف می کنند. دلیلش آن است که اکثر مردم پیرو گمان و تخمین اند نه پیرو عقل و علم و یقین و به تارهای عنکبوتی گمان خودشان چسبیده اند. این است که در کلمات امیر المومنین است: هرگز در راه هدایت به دلیل اینکه در آن راه و جاده افراد کمی هستند وحشتشان نگیرد. (1)

آزاد شدن از عادات اجتماعی

آزاد شدن از حکومت تلقینات محیط و عرف و عادت و به اصطلاح امروز از نفوذ سنتها و عاداتهای اجتماعی غلط یکی از نتایج عقلانیت است. قرآن اساساً بر مذمت کسانی است که اسیر تقلید و پیروی از آباء و گذشتگان هستند و تعقل و فکر نمی کنند تا خودشان را از این اسارت آزاد نکنند. هدف قرآن از این مذمت چیست؟ هدف قرآن تربیت است یعنی در واقع می خواهد افراد را بیدار کند که مقیاس و معیار باید تشخیص و عقل و فکر باشد نه صرف اینکه پدران ما چنین کردند ما هم چنین می کنیم. آیات قرآن راجع به تقلید کورکورانه از پدران خیلی زیاد می باشد هیچ پیغمبری مردم را دعوت نکرد الا اینکه مواجه با همین حرف که: ما پدرانمان را بر راهی یافته ایم و ما از آنها پیروی می کنیم (2) که تو چرا می خواهی ما را از سنتهای گذشته پدرانمان منصرف کنی.

با اینکه اقوام پیغمبران خیلی مختلف بودند و هر پیغمبری در میان قوم خود مسائلی را طرح کرده که با وضع زندگانی آنها مربوط بوده و با یک اشکالاتی مواجه بوده که مخصوص آن قوم بوده ولی یک اشکال عمومی در میان همه اقوام بوده و همه پیغمبران دچار آن بوده اند و آن مصیبت تقلید از آباء و اجداد و گذشتگان و به قول امروزها، سنت گرایی بوده است و پیغمبران بر عکس، عقل مردم را بیدار و آگاه می کردند و می گفتند، فکر کنید. حالا پدرانمان هرطور بودند: آیا اگر پدرانمان عقلشان به جایی نمی رسید و چیزی نمی فهمیدند باز هم شما باید از آنها پیروی کنید؟!

تاثیر ناپذیری از قضاوت دیگران

مسئله دیگر که مربوط به تربیت عقلانی است این است که قضاوتهای مردم درباره انسان نباید برای او پایه و ملاک باشد اینها یک بیماریهای عمومی است که اغلب افراد کم و بیش گرفتار هستند مثلاً اینکه انسان رنگ لباسی را برای خودش انتخاب کرده و تشخیص داده که رنگ خوبی را انتخاب کرده. بعد یکی می آید و می گوید این رنگ مزخرف چیست که انتخاب کرده ای؟ آن یکی و آن دیگری نیز همین را می گویند. کم کم خود آدم اعتقاد پیدا می کند که بد چیزی است تازه آنها هم که می گویند گاهی برای این است که عقیده انسان را تغییر بدهند نه آنکه از روی عقیده خوشان می گویند. اینکه انسانی در مسائلی مربوط به خودش است تحت تاثیر قضاوت و تشخیص دیگران نسبت به خودمان قرار بگیریم.

